



خانواده مرحوم محمود رضا زاده، بانی ساخت مسجد محله سجاد، از اर्थیه معنوی پدر می گویند

لباسی خدمت یادگاری برای فرزندان

۵۰۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

زمین رها شده محله کوی امیرالمؤمنین (ع)
۳ امنیت مردم را نشانه گرفته است
۱۵ سال همسایگی پردردسر

خیران و نمازگزاران مسجد قائم (عج)
۷ در محله کوی دکترا در آستانه ماه رمضان
بسته های معیشتی توزیع کردند
پهن کردن سفره مهربانی

مرور زندگی جانباز شهید علی اصغر آدینه
که دی ماه امسال آسمانی شد

۶ آرام گرفتن در پناه امام مهربانی ها





ساکنان خیابان آپادانای محله آبکوه سال هاست که روی آسفالت‌های فرسوده قدم می‌زنند

لکه‌گیری معابر راه حل کافی نیست

صدرا هفته گذشته بود که یکی از ساکنان خیابان آپادانای ۱۸ عکس‌هایی از آسفالت خراب خیابان برایمان ارسال کرد و از مسئولان منطقه خواست به وضعیت این کوچه‌ها رسیدگی کنند. ساکنان این خیابان و خیابان‌های مجاور مثل آپادانای ۱۶ و ۲۰ هم با این مشکل روبه‌رو هستند و بارها درخواست خود را با شهرداری منطقه مطرح کرده‌اند؛ اما هنوز خبری از آسفالت معابرشان نیست. عرض کم این معابر و بودن این چاله‌ها و پستی بلندی‌ها رفت و آمد را برای عابران و خودروها با مشکل مواجه کرده است. با بارش باران و برف در زمستان، آب هم داخل این حفره‌ها جمع می‌شود و عبور از معبر را برای پیاده و سواره به یک چالش واقعی تبدیل کرده است.



سالمندان یا بچه‌ها اینجا زمین خورده‌اند و پایشان آسیب دیده است، اما هیچ‌کس پاسخگو نیست.

● ● **مطالبه مشترک برای اصلاح اساسی**
کم‌کم به تعداد ساکنان شاکای این معابر اضافه می‌شود. همه معتقدند که مشکل باید به صورت اساسی حل شود. معصومه علیجانی جدول و آسفالت خراب کنار معبر را بادستش کنار می‌زند و می‌گوید: با لکه‌گیری، مشکل آسفالت این خیابان‌ها برطرف نمی‌شود و اینجا نیاز به روکش دارد. ما سال هاست که اینجا ساکن هستیم ولی یک بار هم اینجا روکش آسفالت به خود ندیده‌ایم. فقط زمین‌های خاکی را آسفالت می‌کنند. این معضلات در اکثر کوچه‌های خیابان آپادانا و سایر معابر محله آبکوه دیده می‌شود، ولی این چند معبر بیشترین چاله را دارد. توقعمان این است که وقتی به شهرداری مراجعه می‌کنیم، بیشتر از این پیگیر رفع مشکلاتمان باشند.

گو شه به گو شه فیابان آپادانای ۱۸ مفره و چاله دیده می‌شود. برفش از این آسفالت فرسوده کنار چاله‌های مذب آب باران قرار دارد که فودش می‌تواند منجر به نشست چاه هم شود

● ● **معابر فرعی پرتردد و فرسوده**
خیابان آپادانا یکی از معابر پررفت و آمد محله آبکوه است؛ همراه با ساکنان محله، به معابر فرعی این خیابان از جمله آپادانای ۱۶، ۱۸ و ۲۰ سر می‌زنیم؛ معابری که بیشترین آسفالت فرسوده را دارد. بتول عادلین در حالی که آسفالت‌های کنده شده آپادانای ۲۰ را نشانمان می‌دهد، می‌گوید: این معابر سال هاست که رنگ آسفالت یک‌تکه را به خود ندیده‌ایم. مسئولان برای بررسی به اینجا می‌آیند، ولی هنوز خبری از تغییر یا اصلاح آسفالت دیده نمی‌شود. فقط خانه‌هایی که خراب شده است یا زمین‌های خاکی را آسفالت می‌کنند که آن‌ها هم پستی و بلندی دارد و خودش موجب جمع شدن آب می‌شود. اینجا نیاز به روکش آسفالت یک‌دست دارد. سری به خیابان آپادانای ۱۸ می‌زنیم. گوشه به گوشه این معبر، حفره و چاله دیده می‌شود و از همان ابتدای خیابان شروع می‌شود و تا انتها ادامه دارد. بخشی از این آسفالت فرسوده کنار چاه‌های جذب آب باران قرار دارد که خودش می‌تواند منجر به نشست چاه هم شود. حسین براتی، یکی دیگر از ساکنان این معبر، می‌گوید: همیشه باید نگران نشست این چاه‌ها باشیم. بعضی از این چاله‌ها کوچک و کم عمق است، ولی بعضی از آن‌ها می‌تواند جلوی بندی خود را هم خراب کند. نیش این خیابان کارواش قرار دارد و خودروهایی زیادی از اینجا عبور می‌کنند و هر بار باید آهسته از روی آن‌ها بگذرند تا خود را صدمه نیندازند.

او ادامه می‌دهد: ساکنانی که سن و سال بیشتری دارند، شب‌ها جرئت نمی‌کنند از خانه بیرون بیایند. چند باری شده است که

● ● **بررسی و لکه‌گیری، تا آخر سال**
مرتضی محمدی منش، رئیس اداره ترافیک شهرداری منطقه، درباره روکش آسفالت این معبر می‌گوید: روکش آسفالت معابر بر اساس اولویت بندی انجام می‌گیرد و از سوی شهرداری مرکز مشخص می‌شود و در حال حاضر معابر فرعی در این دسته قرار ندارند. محمدی منش در ادامه توضیح می‌دهد: همکاران ما طی هفته‌های آینده از این معابر بازدید خواهند کرد و تا آخر سال، قسمت‌های مورد نظر لکه‌گیری و رفع خطر انجام خواهد شد.

صدرا با نزدیک شدن به بهار طبیعت و ماه مبارک رمضان، عملیات گسترده عمرانی و خدمات شهری در محدوده شهرداری منطقه یک آغاز شده است. به گفته محمود برهانی، شهردار منطقه، این اقدامات با هدف بهبود کیفیت خدمات رسانی، ارتقای جلوه‌های بصری شهر و افزایش نشاط اجتماعی شهروندان در حال اجراست. در این طرح، اداره خدمات شهری، عملیات رنگ‌آمیزی جدا اول معابر را در دستور کار قرار داده و اداره فضای سبز نیز با اجرای برنامه‌هایی نظیر کوددهی پرچین‌ها، هرس درختان و رنگ‌آمیزی تجهیزات ورزشی بوستان‌ها، بهسازی فضاهای عمومی رادنبال می‌کند. همچنین اداره فنی و عمران منطقه با اجرای روکش آسفالت در معابر اصلی و فرعی، در راستای افزایش ایمنی تردد و بهبود زیرساخت‌های شهری گام برداشته است. شهردار منطقه یک با تأکید بر اهمیت آمادگی شهر در آستانه ایام معنوی و نوروز گفت: مجموعه این اقدامات، زمینه‌ساز ایجاد فضایی شاداب، ایمن و مطلوب برای شهروندان و زائران حرم مطهر امام رضا (ع) خواهد بود. برهانی در پایان افزود: عملیات بهسازی و نوسازی شهری با جدیت ادامه دارد تا منطقه یک، به عنوان هسته مرکزی مشهد، با بهترین شرایط به استقبال بهار قرآن و طبیعت برود.



شهردار منطقه یک از آغاز عملیات عمرانی و خدمات شهری در آستانه رمضان و نوروز خبر داد

فضایی شاد برای زائر و مجاور

دست به دست هم برای آبادی محله

دوشنبه هفته گذشته، مسجد امام جواد (ع) محله گوهرشاد، میزبان جلسه شورای اجتماعی این محله با محوریت پویش «مشهد مهربان» و موضوع «پیشگیری از اعتیاد» بود. در این نشست، اعضا با هدف تقویت همبستگی اجتماعی و جهت‌دهی مؤثرتر به اقدامات حمایتی، بر تدوین فهرست زندانیان جرائم غیر عمد به تفکیک محلات منطقه تأکید کردند تا روند کمک‌رسانی و آزادی این افراد با برنامه‌ریزی هدفمندتری دنبال شود.

در ادامه جلسه، پیشنهاد راه‌اندازی بازارچه نوروزی با مشارکت بانوان کارآفرین محله مطرح شد. حاضران با تأکید بر ظرفیت‌های محلی، بر پیگیری اخذ مجوزهای لازم از دستگاه‌های مرتبط تأکید کردند تا این بازارچه به بستری برای معرفی و تقویت مشاغل خرد و خانگی تبدیل شود.



روز خاطره‌انگیز توان‌یابان

به منظور ارتقای نشاط اجتماعی و تجربه لحظاتی شاد، اردوی فرهنگی و تفریحی سینما به همت شورای اجتماعی محله کلاه‌دوز، مؤسسه مثبت‌زندگی و جمعی از اعضای هلال احمر برای توان‌یابان برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این اردوی فرهنگی ضمن تماشای فیلم، فضایی صمیمی و خاطره‌انگیز را در کنار یکدیگر تجربه کردند. برگزارکنندگان، هدف از اجرای این برنامه را تقویت روحیه جمعی، افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد فرصت‌های نشاط آفرین برای اقشار مختلف بیان کردند.

از دلایل اصلی سرقت و ناامنی محله شده است. محمود دلآوری، مکانیک خودرو، در تأیید این مطلب می‌گوید: در کنار این زمین، تعداد زیادی کارگاه چوب و تعمیرگاه خودرو وجود دارد. دو هفته قبل، یکی از همین سارقان با میله آهنی در کارگاهی را شکسته و وسایل زیادی را به سرقت برده بود. چند وقت قبل، یکی از همین معتادان که برای جمع‌آوری ضایعات به مغازه آمده بود، تعدادی آچار را سرقت کرد. در فاصله چند متری از این زمین رها شده، پارک خطی میخک قرار دارد که فضای تفریحی مناسبی برای شهروندان و خانواده‌ها ایجاد کرده است. اما به گفته حاضران، شهروندان تمایلی برای استفاده از امکانات این بوستان ندارند. احمد شفیعی، ناامنی و ترس از ارادل او باش را دلیل این موضوع می‌داند و می‌گوید: باتوق بیشتر این افراد در همین زمین رها شده است. آن‌ها را در هر گوشه از این بوستان می‌توان دید. به همین دلیل، شهروندان ترجیح می‌دهند برای جلوگیری از مزاحمت و مشکل، در خانه بمانند یا به بوستان‌های دیگر بروند.

● ساخت فرهنگ سرا

شهروندان باتوجه به بی‌تکلیفی چندین ساله و در دسترس‌هایی که این زمین طی سال‌ها داشته است، درخواست تعیین تکلیف و سامان دهی هرچه سریع‌تر زمین را دارند. احمد معتمدی، رئیس شورای اجتماعی محله کوی امیرالمؤمنین^(ع)، باتوجه به درخواست اهالی برای ساخت فرهنگ سرا می‌گوید: کوی امیرالمؤمنین^(ع) فعالان فرهنگی بسیاری دارد که به دلیل نبود جای محدودیت‌هایی رو به روهستند. شهرداری اگر بتواند از طریق مشارکت یا تملک این محل را به فرهنگ سرا تبدیل کند، عالی است.

● اخطارهای لازم داده شده است

معاون فنی و اجرایی منطقه ۲ با بیان اینکه اخطارهای لازم جهت دیوارکشی زمین رها شده در شهید چراغچی ۵۶ به مالک آن داده شده است، گفت: در گذشته، روال کار این بود که اگر بعد از چند بار اخطار دادن شهرداری به مالک زمین رها شده، او برای دیوارکشی اقدام نمی‌کرد. شهرداری از محل بودجه‌ای به نام «زمین‌های رها شده» برای دیوارکشی اقدام می‌کرد و هزینه آن را در زمان ساخت و ساز از مالک می‌گرفت. اما در حال حاضر چنین بودجه‌ای وجود ندارد.

امین تفضلی با بیان اینکه شهرداری نمی‌تواند به زور از مالک بخواهد که ساخت و ساز زمین را انجام دهد، گفت: درباره ناامنی و حضور معتادان در زمین یاد شده، شهروندان با جمع کردن استشهاد محلی به شهرداری مراجعه کنند. ما نیز آن را در اختیار دادگستری قرار خواهیم داد تا برای پاک‌سازی و برقراری امنیت از طریق نیروی انتظامی اقدام شود.



● بلا تکلیفی ۱۵ ساله

زمینی که در معبر شهید چراغچی ۵۶، کوچه شقایق یک قرار دارد، چندین سال است که به حال خود رها شده است. حسن صادقی، از ساکنان محله، می‌گوید: از پانزده سال قبل که ساکن این محدوده شدم، این زمین به همین شکل بود. مالک آن یکی دو مرتبه آجر و مصالح آورد و حتی یادم است یکی دو اتاق هم ساخت و تصمیم داشت اینجا را به کارگاه تعمیر خودرو تبدیل کند. به گفته حاضران، صاحب ملک به هر دلیلی از ادامه کار منصرف شد و حالا سال‌هاست که خبری از او نیست. آن طوری که شایع شده، او زمین را فروخته است.

صادقی می‌افزاید: ما چند بار با شهرداری منطقه تماس گرفتیم و خواستیم که این زمین به دلیل نمای نازیبایی که به محل داده است، سریع‌تر تعیین تکلیف و ساخته شود.

● ناامنی و ترس اهالی از حضور معتادان

به جز نازیبایی زمین، حضور معتادان کارتن خواب در آن نیز سبب نگرانی و ترس اهالی شده است. علیرضا سعیدی با نشان دادن دیوارهای سیاه و دود گرفته این زمین رها شده می‌گوید: هر شب، تعداد زیادی از افراد معتاد در این محل دور آتش جمع شده و به کشیدن مواد مشغول می‌شوند. این موضوع پای مواد فروشان، ارادل و او باش رانیز به محل باز کرده و یکی

زمین رها شده محله کوی امیرالمؤمنین^(ع)
امنیت مردم را نشانه گرفته است

۱۵ سال همسایگی پردردسر

حسین برادران فرزند زمین رها شده و بلا تکلیف در هر محله‌ای که قرار داشته باشد، برای شهروندان آن دردسر ساز و مشکل آفرین است. این زمین ها در صورت تعیین تکلیف نشدن با گذشت زمان به پاتوقی برای معتادان و سارقان تبدیل می‌شود و مشکلات زیادی به دنبال دارد. زمین رها شده انتهای محله کوی امیرالمؤمنین^(ع) با وسعت بیش از ۱۲۰۰ متر مربع، یکی از این زمین‌هاست که وضعیت بلا تکلیفی آن، نگرانی اهالی محله را به دنبال داشته است.



پیگیری تحویل زمین آموزشی محله کشاورز
همچنان ادامه دارد
اول تفاهم نامه، بعد صلح نامه



آسفالت به شهرک امام سجاده^(ع) رسید

با هدف ارتقای کیفیت معابر، پروژه روکش آسفالت در شهرک امام سجاده^(ع)، محدوده شهید طرحی اجرا شد. هفته گذشته، پروژه زیرسازی و روکش آسفالت به مساحت هزار و ۴۰۰ متر مربع در خیابان امام سجاده ۷ به بهره‌برداری رسید. این اقدام با اعتباری بالغ بر ۸ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال و مصرف ۱۲۰ تن آسفالت تکمیل شده است.

منطقه، آماده برای بهار

هم‌زمان با اجرای طرح استقبال از بهار، پروژه پیاده‌رو سازی بولوار شهید غیور اصلی به مساحت ششصد متر مربع و با اعتباری بالغ بر ۵ میلیارد ریال آغاز شد. این اقدام در راستای آماده‌سازی معابر و ارتقای کیفیت فضاهای شهری منطقه ۲ برای استقبال از بهار در حال اجراست.

«حرعاملی» رنگی شد

با فرارسیدن روزهای پایانی سال و هم‌زمان با طرح استقبال از بهار، عملیات رنگ‌آمیزی جدا اول بولوار حرعاملی آغاز شد. این اقدام با هدف ایجاد طراوت بصری، بهبود منظر شهری و فراهم‌سازی فضایی شاداب برای شهروندان انجام شده و بخشی از برنامه‌های منطقه برای استقبال شایسته از بهار و ارتقای کیفیت محیط شهری است.

صفائی‌اششم دی ماه گزارشی درباره نبود مدرسه در محله کشاورز و مشکلات آن منتشر کردیم. در آن گزارش، اصغر انصاری، مدیرعامل سازمان زمین و مسکن شهرداری مشهد، اعلام کرد که برای رفع این مشکل، جلسه‌ای با حضور نماینده آموزش و پرورش تبادکان و اعضای شورای اجتماعی محله برگزار خواهد شد تا با دستیابی به توافقات لازم، تفاهم‌نامه‌ای برای تحویل زمین و ساخت مدرسه منعقد شود. هفته گذشته، این جلسه در محل سازمان زمین و مسکن شهرداری مشهد برگزار شد و حاضران درباره دغدغه‌های خود گفت‌وگو کردند.

مدیرعامل سازمان زمین و مسکن شهرداری مشهد در این نشست گفت: برای تحویل زمین جهت ساخت مدرسه ابتدا باید تفاهم‌نامه‌ای با آموزش و پرورش منعقد شود و طی آن آموزش و پرورش تبادکان موظف است ظرف ۴۸ ساعت زمین‌های متعلق به خود را که در مسیر طرح‌های شهرداری قرار دارند، معرفی کند تا شهرداری برای تعیین ارزش کارشناسی، آن‌ها را در اختیار کارشناس رسمی قرار دهد. پس از آن، صلح‌نامه تنظیم می‌شود و در قالب تها تر، زمین برای ساخت مدرسه در اختیار آموزش و پرورش قرار می‌گیرد.





خانواده مرحوم محمود رضازاده
بانی ساخت مسجد محله سجاد، از ارثیه معنوی پدر می گویند

لباس خدمت، یادگاری برای فرزندان



مادر به اصول دینی و اخلاقی بوده اند و تجربه حضور در جلسات مذهبی، سفرهای زیارتی و خدمت به زائران باعث شده است هر کدام از آن ها نیز در مسیر خادمی قرار بگیرند. آن ها ارزش خدمت و معنویت را در زندگی روزمره خود دیده اند و برای ماز زندگی پدر و لحظات خدمتشان روایت می کنند.

امام حسین^(ع) در محله سجاد با کمک خیران، سال ۱۳۹۹ به رحمت خدا رفت؛ پدری که راه و رسم زندگی را به فرزندانش آموخت و چیزی جز درس صداقت و راستی به آن ها نداد. حالا فرزندان نیز مسیر او را دنبال می کنند. محمد رضا، محمدرسول، نرگس و علیرضا از کودکی شاهد پایداری پدر و

میترا صدرا عشق و ارادت بیچه خیابان خسروی به ائمه^(ع)، به ویژه امام حسین^(ع) و امام رضا^(ع)، او را به سمت خدمت برد و باعث شد آثاری معنوی از خود بر جا بگذارد. مرحوم محمود رضازاده خیابان بعد از سی سال خدمت در حرم مطهر امام رضا^(ع) و بعد از ساخت مسجد



محمدرضا از شانزده سال پیش به خدمت افتخاری در حرم مطهر رضوی مشرف شده و فعالیتش را در بخش فراشان شروع کرده است. او توضیح می دهد که سال ها در انتظار خدمت بوده و پس از تکمیل شرایط، موفق به حضور شده است. محمدرضا پدر را انسانی آرام، کم سخن و قانع توصیف می کند که دارای های زندگی رالطف الهی می دانسته است. همراهی در سفرها و جلسات مذهبی، تجربه ای مشترک برای فرزندان بوده و به گفته او، همین همراهی، مسیر زندگی آنان را شکل داده است.

محمدرسول، فرزند دوم خانواده، دوسالی از برادرش، کوچک تر است. او بعد از گرفتن مدرک دیپلم، مسیر کاری اش را در کنار پدر آغاز کرد و هر روز به مغازه پدر می رفت تا کار در بازار آزاد را بیاموزد. او در این سال ها شاهد این بوده که چطور کسب نان حلال برای پدرش اهمیت داشته است و می گوید: هیچ وقت راضی نمی شد کالایی را که به قیمت قبل خریده، به قیمت جدید به مشتری بدهد. خواندن نماز اول وقت، پرهیز از دروغ، غیبت و رعایت صداقت در معاملات، از اصول مهم و مبنای زندگی پدر بود. همیشه جمعه ها صبح زود ما را از خواب بیدار می کرد و اگر خود مان دوست داشتیم به جلسات ندای ندبه می برد. حضور در این جلسات به رشد معنوی همه ما کمک زیادی کرد.

محمدرسول از سال ۱۳۷۴ خدمت در حرم مطهر را شروع کرده و نزدیک به ۲۹ سال در بخش کفایشی خدمت کرده است. او می گوید: من زودتر از برادرها و خواهرم، نرگس توانستم خدمت را شروع کنم. مثل پدر، کارم را در بخش کفایشان شروع کردم. البته پدر فقط یک سال کفشدار بود و بعد از آن تا آخر خدمت، سرپرست خدام کتب انوار بود.

سال اول ازدواج، خانه ما پایگاه مراسم مذهبی و جلسات مختلف باشد. بعد از ساخت خانه نزدیک فلکه برق هم هر سال مراسم را بر عهده می کردیم و بعد از ۱۰ روز روضه و ذکر مصیبت شله می دادیم. از وقتی هم به خانه مان در ابودرغفاری آمدیم، جلسات راهبان کربلادر خانه مارا ه افتاد. محمود آقا چند شب پشت سر هم خواب دید که در خانه زیارت عاشورا می خوانند و همین باعث شد جلسه را با بیست نفر از اقوام نزدیک راه بیندازد. سه سال مراسم هر هفته بعد از طلوع آفتاب شروع می شد. بعد از آن، جلسات هر هفته در خانه یکی از اعضا بود. تا اینکه به همت محمود آقا و سایر خیران، توانستند زمین مسجد و حسینیه امام حسین^(ع) را در محله سجاد تهیه کنند و بعد هم آن را بسازند. از آن زمان به بعد، همه جلسات همان جا برپا می شود.

محمدرضا، پسر و فرزند اول خانواده حالا پشت گرمی مادر، خواهرها و برادرهاست. ۵۹ سال پیش وقتی به دنیا آمده، پدرش سفر حج بوده است. به گفته او، پدر از جوانی به جلسات مذهبی، سفرهای زیارتی و فعالیت های خیرانه علاقه زیادی داشت. محمد رضا می گوید: پدر از سال ۱۳۶۳ مدیریت کاروان های حج را بر عهده گرفت. در خیلی از این سفرها من هم همراه او بودم.

محمدرضا از نخستین سفر حج خود خاطره ای نقل می کند و می گوید: هجده سال داشتم و در کردستان سرباز وظیفه بودم که پدر اسمم را برای حج واجب نوشت. چون مجرد بودم، اجازه سفر نداشتم. با پیگیری های زیاد پدر و تعهدی که برای ازدواجم داد، توانستم همراهش راهی این سفر معنوی شوم. مهم ترین درسی که در این سال ها از پدر گرفتم، صداقت، خواندن نماز اول وقت و ترک نکردن جلسات مذهبی است.

پسرها و دخترها کنار مادر نشسته و قاب عکس پدر را در دست دارند. چهره خندان و آرامش را نوازش می کنند و می بوسند. مرحوم محمود رضازاده خیابان بعد از ۸۱ سال عمر با عزت بر اثر سرطان به رحمت خدا رفت. فاطمه و کیلیان، مادر خانواده، جز خوبی و صداقت از او ندیده است و هر بار که درباره مرحوم صحبت می کند، بغض راه گلویش را می بندد و اشک از چشمانش جاری می شود. فاطمه خانم سیزده سال بیشتر نداشت که با محمود آقا ازدواج کرد؛ ازدواجی که برپایه ایمان و ارادتشان به ائمه^(ع) بوده است. فاطمه خانم می گوید: همسر خدا بیامرمز غریبه بود ولی نام نیکش زبانزد همه بود و محلی ها او را به اخلاق خوب و صداقتش می شناختند. پدرم از اخلاق نیک و اعتقاد قلبی اش به ائمه^(ع) می گفت. برای پدرم بیش از هر چیز ایمان و اعتقاد دامادش مهم بود.

فاطمه خانم در ۵۸ سالگی که کنار همسرش زندگی کرده، حتی یک بار هم از او دروغ نشنیده است. همان طور که به چهره خندان محمود آقا نگاه می کند و آلبوم های خانوادگی را ورق می زند، می گوید: محمود آقا مؤمن و پایبند به اصول اخلاقی بود و بخشش در زندگی اش جایگاه ویژه ای داشت. هر وقت و از هر طریق که می توانست به مردم کمک می کرد. حتی درآمدی را که از مدیریت کاروان های حج کسب می کرد، در دوره جنگ تحمیلی به جبهه می فرستاد تا برای رزمندگان هزینه شود. فاطمه خانم چند سال اول با خانواده همسرش در خیابان خسروی نوزندگی می کرد. محمود آقا فروشنده لوازم یدکی ماشین بوده است. او چند سال بعد توانست نزدیک فلکه برق (میدان بسیج) زمینی بخرد و خانه و مغازه بسازد. بعد از آن هم ساکن خیابان ابودرغفاری و محله احمدآباد شدند. در همین خانه جلسه راهبان کربلاراه انداختند. فاطمه خانم می گوید: ارادت محمود آقا به ائمه^(ع) باعث شد از همان

آغاز زندگی برپایه ایمان

تأثیر دعاهای ندبه

پدر، الگوی معنوی زندگی



می خواهد اسم او را برای خدمت بنویسد. روز بعد، همراه پدر برای مصاحبه می رود و مسئول خدام وقتی او را می بیند، تعجب می کند و به شوخی به پدرش می گوید: «آقا علیرضا هنوز حتی ریش و سیبیل هم در نیآورده است و نمی تواند خدمت را شروع کند.» با این جمله دل علیرضا می شکند و وقتی می خواسته به سمت مغازه برود، روبه ضریح می کند و به امام رضا^(ع) می گوید که «آقا برای ماکه بد نشد: این برای شما بد است که دلم شکسته است.»

او ادامه می دهد: همان روز بعد از ظهر از قسمت خدام حرم مطهر با پدر تماس گرفتند و گفتند علیرضا از فردا شب بیاید، ولی نه لباس دارد و نه نشان و نه شام. فقط باید چای بریزد و میوه بشوید. با اشتیاق تمام از شب بعد کارم را شروع کردم بعد از هشت سال دربان شدم و امسال هم در اجرای طرح جابه جایی خدام شرکت کرده ام و شش ماهی می شود که خدمت به زائران داخل صحن را برعهده دارم.

و دیگر آن را تکرار نمی کردیم. صحبت های پدر در ذهن و قلبمان حک شده است.

نرگس هم از همان نوجوانی دوست داشته است خادم شود. بعد از دواج و زمانی که پسرش سه ساله بوده از پدر می خواهد اسمش را برای خدمت بنویسد و با حضورش موافقت می شود. اما پسر سه ساله اش فکر می کرده مادر می خواهد او را تنها بگذارد. در نهایت سال ۱۳۸۸ با بزرگ تر شدن فرزندش، او هم به حرم مطهر رضوی مشرف می شود و در قسمت امنیت و ورودی، کارش را آغاز می کند. او می گوید: تمام لحظات حضور در حرم مطهر برایم پر از خاطره است. کشیک من شب هاست و لحظات معنوی که در شب های خدمت تجربه کرده ام، توصیف نشدنی است. حضور ما به عنوان خادم از برکت دعای پدر و مادر و تربیت آن هاست.

نرگس هم درس های زیادی از پدر آموخته: اما مهم ترین آن را اسراف نکردن می داند و می گوید که چطور پدر نان خشک یا برنج ته مانده را جمع می کرده و برای پرندگان می ریخته است. او می گوید: ظهرها که به خانه می رسیدم. هر وقت در را باز می کردم، می دیدم که چند کبوتر و گنجشک شروع به پرواز می کنند. آن ها آمده بودند تا روزی شان را از دستان پدر بخورند. حالا من هم همین طور شده ام و هیچ غذایی را بیرون نمی ریزم.

نرگس هنوز صحبتش را شروع نکرده که با نام پدر، اشک از چشمانش جاری می شود. یک سال کوچک تر از برادر دوم و تنها دختر خانواده است. جز خوبی و محبت از پدر و مادر ندیده و همیشه دعاگوی آن هاست و امیدوار است خودش هم الگوی خوبی برای فرزندانش باشد. او می گوید: پدر خدا بیامرز و مادرم همیشه برای ما مثل یک دوست صمیمی بودند. همه چیز را به آن ها می گفتیم و آن ها همیشه احترام ما را نگه می داشتند.

تنها چیزی که پدرشان را ناراحت می کرد، دروغ و غیبت بوده است و او همیشه باروش های خاصی از بروز این رفتارها در خانواده جلوگیری می کرده است. نرگس خانم می گوید: گاهی پیش می آمد که با خواهرانم دور هم می نشستیم و از همه چیز صحبت می کردیم. هر وقت پدر در خانه بود و می شنید که صحبتمان درباره کسی است، می گفت «علم علم، و ما حواسمان جمع می شد و صحبت را عوض می کردیم. این راز بین ما بود تا جلو غیبت کردنمان گرفته شود. هیچ وقت دعوا ایمان نمی کرد و فقط با نگاهش متوجه می شدیم که کارمان اشتباه است

مهربانی پدر با پرندگان

در نهایت برای من خوب شد

علیرضا، فرزند پنجم خانواده و پسر آخر، ۴۴ سال دارد. او هم بعد از گرفتن مدرک دیپلم کنار دست پدر و برادرش، محمدرسول، شروع به کار کرد و حالا مغازه پدر را می گرداند. او از همان دوران کودکی تحت تأثیر اخلاق و رفتار پدر قرار داشته است و ارزش های مذهبی و اخلاقی را بخشی از زندگی روزمره خود می داند و می گوید: پدر همیشه می گفت که هر چه در زندگی می خواهید، از ائمه^(ع) طلب کنید و به آن ها متوسل شوید. دیگر ویژگی اش این بود که کار خیرش را تقدیم پدر و مادرش می کرد، از روضه ها گرفته تا خیرات و سفرهای زیارتی اش را.

علیرضا تنها شانزده سال داشت که خدمت در حرم مطهر را شروع کرد. وقتی حال و هوای معنوی پدر و برادرها و خواهرش نرگس را دید از همان نوجوانی مشتاق شد. پدر برای برادر بزرگش خدمت در آبدارخانه را در نظر داشته است، ولی آقا محمد رضا دوست داشته در قسمت فراشان باشد. علیرضا هم از فرصت استفاده می کند و از پدر



مسجد امام حسین^(ع) چطور شکل گرفت

شروع شد. پس از سال ها تلاش، مسجد امام حسین^(ع) سال ۱۳۹۸ در روز ولادت حضرت معصومه^(س) به طور رسمی تأسیس و افتتاح شد. نام مسجد نیز به دلیل ارادت عمیق مرحوم رضا زاده و اعضای جلسه راهیان کربلا به سیدالشهدا^(ع) و با هم فکری هیئت امنا، به نام امام حسین^(ع) انتخاب شد. یکی دیگر از عرصه های فعالیت مرحوم رضا زاده، برگزاری دعای ندبه و روضه حضرت رقیه^(س) در بیت الرقیه^(س) خیابان کوشش بود. پس از وفات مرحوم خوابناکه فرزندی نداشت و خانه خود را وقف بیت الرقیه^(س) کرده بود. مرحوم رضا زاده همراه دیگر خیران، این مکان را بازسازی کردند. اکنون هر هفته صبح جمعه، دعای ندبه برگزار می شود و شب های یکشنبه سفره حضرت رقیه^(س) گسترده شده و ذکر مصیبت خوانده می شود. در ماه رمضان نیز جزء خوانی قرآن و سخنرانی برپاست.

املاک شخصی خودش را نیز فروخت و هزینه آن را صرف بنا کرد. زمین مسجد که متعلق به آستان قدس رضوی بود، با همراهی تولیت وقت و بخشش حق تقدیمی، توسط مرحوم آیت... عباس واعظ طبسی در اختیار هیئت امنا قرار گرفت. تحویل زمین مصادف شد با دوره ای که شورای شهر مشهد ساخت ۱۱۰ مسجد را در دستور کار قرار داده بود. محسن گل مشکی که مسئول اجرای ساخت این مساجد بوده و اکنون عضو هیئت امنا می باشد، می گوید: هم زمان، کمیته ای با همکاری اداره اوقاف، امور مساجد، شهرداری و سازمان نظام مهندسی برای تسهیل ساخت مساجد در مشهد تشکیل شد. مسجد امام حسین^(ع) نیز یکی از پروژه هایی بود که از حمایت های این کمیته بهره مند شد. در این مسیر، شهرداری پروانه ساخت را به صورت رایگان صادر و نظام مهندسی تخفیف هایی در حق نظارت اعمال کرد و کمک های مالی مرحله ای نیز در اختیار هیئت امنا قرار گرفت. به همت همه ساخت و تکمیل مسجد

محمد یزدانی، یکی از اعضای قدیمی جلسه راهیان کربلا و عضو هیئت امنا می گوید: مرحوم رضا زاده خدمت به زائران اهل بیت^(ع) را خیلی دوست داشت. بعد از اینکه تعداد شرکت کنندگان جلسه افزایش پیدا کرد، به فکر ساختن فضای حسینیه افتاد که به مسجد ختم شد. با کمک اعضای جلسه، مبلغی برای ساخت حسینیه جمع شد و بعد از آن مرحوم رضا زاده به دنبال تهیه زمین و ساخت آن رفت. چهار سال تمام، هر روز از صبح تا بعد از ظهر، پرونده ساخت حسینیه و مسجد را به دست می گرفت و میان ادارات مختلف رفت و آمد می کرد تا مراحل قانونی و اجرایی کار به نتیجه برسد. از آنجاکه مبلغ به اندازه کافی نبود، برای سرعت گرفتن ساخت، بخشی از

مرور زندگی جانباز شهید علی اصغر آدینه که دی ماه امسال آسمانی شد

آرام گرفتن در پناه امام مهربانی‌ها

راه تجربه



دیدار اعضای شورای اجتماعی محله نوده با خانواده شهید آدینه

را بر ایمن آوردند. مجروحیت برادر م سطحی بود اما علی اصغر وضعیت بدی داشت.

عمل‌های جراحی متعددامابی فایده

اصابت گلوله یکی از منافقان به گردن علی اصغر نوجوان که آن زمان هفده ساله بود، زندگی‌اش را تغییر داد و با گذشت زمان، وضعیت او بدتر شد. بلافاصله بعد از مجروحیت، علی اصغر به بیمارستان گنبد کاووس برده شد اما چون امکانات کم بود، به مرکز استان و از آنجا به بیمارستان مجهزی در تهران منتقل شد. در تهران، چند عمل جراحی روی او انجام شد اما پزشکان امیدی به بهبودش نداشتند. گلوله به نخاع و گردن وارد شده بود و امکان خارج کردن آن وجود نداشت. یکی از عمل‌ها زسوی پروفیسور سمعی انجام شد اما نتوانستند گلوله را خارج کنند. پروفیسور سمعی اعلام کرد که اگر گلوله را از گردن خارج کنند، علی اصغر دچار قطع نخاع و فلج کامل خواهد شد.

همسر شهید با بیان این خاطرات، می‌گوید: به تدریج و در اثر تأثیرات مخرب گلوله، نیمی از بدن او یعنی سمت چپ بدنش، کم‌کم توانایی خود را از دست داد و تنها با کمک عصا راه می‌رفت.

منشأخیر مدارس محروم

علی اصغر آدینه بعد از مجروحیت، تحصیلات خود را ادامه داد و به عنوان معلم در یکی از مدارس گنبد کاووس مشغول به کار شد. اما با توجه به شرایط جسمی‌اش از خدمت معلمی معاف و به عنوان مدیر اجرایی مدارس، به کار سرکشی به مدارس شهرستان مشغول شد. همسر شهید در توضیح بیشتر می‌گوید: در زمان خدمتش به عنوان مدیر و کارشناس اجرایی، به مدارس روستاهای محروم شهرستان بسیار کمک کرد. همیشه دغدغه‌اش این بود که فلان مدرسه پشت بام مناسبی ندارد یا مدرسه فلان روستا بخاری یا کولرش مناسب نیست. با وجود وضعیت نامناسب و شرایط سختی که برای راه رفتن داشت، هر روز در راه آموزش و پرورش شهرستان و استان بود تا بودجه و وسایل لازم برای مدارس محروم را فراهم کند. شهید آدینه افراد خیر و ثروتمند محلی را پای کار آورده بود و از آن‌ها زمینیه ساخت و بهسازی مدارس کمک می‌گرفت.

علی اصغر با بالا رفتن سن و بیشتر شدن عوارض مجروحیت، به ناچار و برخلاف تمایل خودش مجبور به بازنشستگی اجباری شد. شهید آدینه در طول سال‌های خدمتش در آموزش و پرورش، منشأ خدمات بسیاری برای دانش‌آموزان محروم شهرستان گنبد کاووس بود و نام نیکیش از خود به یادگار گذاشت.

حسین برادران فراروزهای قبل از شهادتش، ناراحت بدتر شدن وضعیت مجروحیت و بدن نیمه جاننش نبود، نگران همسر و تنهاده خترش زینب بود. با خودش فکری کرد اگر در این شهر غریب، دور از خانواده و دوستان شهید بشود، چه بر سر آن‌ها خواهد آمد. اما باز به خودش امیدواری می‌داد. اینجاست که امام رضا^ع است و آن‌ها در پناه امام مهربانی‌ها غریب و تنهاده نخواهند ماند.

جانباز شهید علی اصغر آدینه که در مبارزه با منافقان از ناحیه گردن دچار مجروحیت شده بود، بعد از تحمل سال‌ها درد و رنج مجروحیت، ششم دی ماه امسال به دوستان شهیدش پیوست. به این بهانه و در گفت‌وگو با همسر و تنهاده خترش، خاطرات زندگی او را مرور کردیم.

پیوستن به گروه‌های انقلابی

علی اصغر آدینه سال ۱۳۴۱ در گنبد کاووس به دنیا آمد. او که از کودکی شاهد زندگی سخت همشهری‌ها و خانواده‌اش بود، با روحیه‌ای ظلم ستیز بزرگ شد. زهرا هوشیار، همسر شهید علی اصغر آدینه، می‌گوید: خانواده من و همسر همسایه و در یک کوچه ساکن بودند. علی اصغر هم بازی برادرم بود و گاهی همراه او برای درس خواندن به خانه ما می‌آمد. درک و فهم او خیلی بیشتر از سن و سالش بود. در همان نوجوانی از ظلم و ستم و بی‌عدالتی که در جامعه وجود داشت، صحبت می‌کرد.

علی اصغر نوجوان به دلیل همین روحیه انقلابی در نوجوانی به گروه‌های مبارز انقلابی شهر پیوست. او از طریق آشنایی با علی هوشیار، عمومی همسرش که اولین گروه‌های انقلابی ضد رژیم شاه را در گنبد کاووس تشکیل داده بود، به شعار نویسی و پخش اعلامیه می‌پرداخت و بارها مورد تعقیب و نامش در فهرست سیاه ساواک قرار گرفت. زهرا خانم هوشیار تعریف می‌کند: به واسطه این فعالیت‌های انقلابی ارتباط علی اصغر با عموم برادرم بیشتر شده بود. عمومی از شجاعت و جسارت علی اصغر در رویارویی با نیروهای ساواک خیلی تعریف می‌کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، علی اصغر با پیوستن داوطلبانه به نیروهای امنیتی و بسیج مردمی برای بازگرداندن نظم و امنیت به گنبد کاووس، تمام تلاش خود را انجام می‌داد و در جریان یکی از همین درگیری‌ها با نیروهای منافق و ضدانقلاب از ناحیه گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

خبر مجروحیت علی اصغر

به گفته زهرا خانم سال ۱۳۵۸ نیروهای ضدانقلاب با تحریکات قومیتی و مذهبی، اوضاع گنبد کاووس را متشنج و ناآرام کرده بودند و جان و ناموس هیچ‌کس در امان نبود. آن زمان، عمومی سردار علی هوشیار فرماندهی سپاه گنبد کاووس را بر عهده داشت و علی اصغر آدینه نیز جزو نیروهای داوطلب سپاه برای مقابله با منافقان و ضدانقلاب بود. زهرا هوشیار می‌گوید: همه خانواده نگران بودند. برادرم، عمومی و علی اصغر، چند روز به خانه نیامده بودند و هیچ خبری از آن‌ها نداشتیم. دعا می‌کردیم که هرچه زودتر به خانه برگردند. در آخرین روز درگیری با منافقان، خبر مجروحیت برادرم و علی اصغر

آرام گرفتن کنار امام رضا^ع

جانباز شهید علی اصغر آدینه بعد از بازنشستگی از آموزش و پرورش، با خانواده راهی مشهد شد. زینب آدینه، تنهاده ختر شهید، با اشاره به علاقه پدرش به هم جواری با امام رضا^ع و سکونت در مشهد می‌گوید: بهترین خاطرات زندگی پدرم مربوط به سفرهای زیارتی‌اش به مشهد بود.

به همین دلیل، شهید آدینه چهارده سال قبل که بازنشسته شد، دیگر معطل نکرد؛ خانه‌اش را فروخت، اسباب و اثاثیه‌اش را جمع کرد و راهی مشهد شد. بهترین خاطرات زینب با پدر و مادرش مربوط به همین زیارت‌های خانوادگی و رفتن به حرم مطهر است. دختر شهید تعریف می‌کند: بعد از آمدن به مشهد برای آنکه رفت و آمدمان به حرم دور و سخت نباشد، در محله عبدالمطلب، سکونت کردیم. روحیه پدر بعد از آمدن به مشهد خیلی بهتر شده بود. هر زمان که سختی زندگی و بیماری او می‌گرفت، تنهاده محل آرامش خانواده، حرم امام رضا^ع بود. سه نفری به زیارت آقامی رفتیم، ساعتی را به خواندن نماز و قرآن می‌گذراندیم و دوباره به خانه برمی‌گشتیم. دعای همیشگی پدرم عاقبت به خیری من و مادرم بود. همیشه می‌گفت: «اگر شهید شدم، خیالم راحت است که در پناه امام رضا^ع هستم». او در سال‌های آخر بدون کمک من و مادرم نمی‌توانست حتی کارهای شخصی‌اش را انجام بدهد. مادرم ۲۴ ساعته از او پرستاری می‌کرد و هیچ وقت شکایت نکرد. پدرم این کارها را می‌دید و همیشه می‌گفت: «من که توان جبران زحمات شماراندارم؛ اجرتان با امام رضا^ع باشد.»

آخرین نگرانی شهید

همسر شهید درباره تنها دغدغه و نگرانی همسرش در روزهای قبل از شهادتش می‌گوید: چهارده سال قبل که به مشهد آمدم، به دنبال این می‌گشتم که با پول خانه فروخته شده منزلی کوچک و نقلی بخریم. اما پولمان کم بود و با وجود پیگیری از بنیاد شهید برای گرفتن وام، نتوانستیم پولی جور کنیم؛ به ناچار خانه‌ای را در محله عبدالمطلب اجاره کردیم. بیشترین نگرانی همسر در این سال‌ها به ویژه روزهای آخر منتهی به شهادتش، بی‌خانه بودن ما بود. همیشه افسوس می‌خورد که چرا نتوانسته است خانه‌ای بخرد تا خیالمان راحت باشد. بیشتر حقوق همسر صرف اجاره خانه می‌شود. اگر بنیاد شهید وامی بدهد که بتوانیم خانه‌ای هر چند کوچک بخریم، کمک بزرگی به ما خواهد بود.



خیران و نمازگزاران مسجد قائم (عج) در محله کوی دکترا در آستانه ماه رمضان، بسته های معیشتی توزیع کردند

پهن کردن سفره مهربانی

عیدگاه

تعلق گیرد. این خانواده ها از نقاط مختلف شهر برای تهیه بسته، خود را به مسجد می رسانند و بعد از نام نویسی، بسته را تحویل می گیرند.

● سفره پربرکت بانوان سرپرست خانوار

مهمین خانم، یکی از دریافت کنندگان بسته ها، از خواجه ربیع آمده و سرپرست خانواده ای با فرزند معلول است. او با تولید محصولات غذایی خانگی و فروش آن ها در روزبازارها درآمد کسب می کند و می گوید: هزینه های زندگی سنگین است و کمک های خیران، بخش شایان توجهی از نان سفره ما را در طول سال تأمین می کند. راهم دوراست؛ با وجود این هر سال به اینجا می آیم تا سفره سحر و افطارمان خالی نباشد.

معصومه خانم هم خودش را از سیدی به اینجارسانده و سرپرست خانوار است و سه کودک مدرسه ای دارد. اولیف می بافد و با فروش آن ها در بازار یا از طریق فضای مجازی هزینه زندگی را تأمین می کند. او می گوید: با اینکه کار می کنم، بچه ها هزینه زیادی دارند و دخل و خرجم باهم نمی خواند. کمک خیران و تهیه این بسته های غذایی، سفره ما را هم پربرکت کرده است.

انصاف بدانیم، خداوند نیز برکات خود را شامل حال ما می کند.

● مسجد محله، پایگاه همدلی

جواد خسرومنش، رئیس هیئت امناء و نایب رئیس صندوق قرض الحسنه مسجد قائم (عج)، از نقش مستمر این مکان معنوی در حمایت از نیازمندان می گوید: مسجد قائم (عج) یکی از مساجد قدیمی محله است و حدود پانزده سال است که در اینجا با کمک خیران، بسته های معیشتی برای محرومان تهیه و توزیع می کنیم. تلاش می کنیم هیچ خانواده ای ناامید از مسجد خارج نشود و بیشترین سهم بسته ها به خانم های سرپرست خانوار یا سالمندان محروم

صدرا بانزدیک شدن به ماه رمضان، روح همدلی و بخشندگی در محله کوی دکترا زنده شده است. خیران و نمازگزاران مسجد قائم (عج) به رسم پانزده سال گذشته، دست به دست هم دادند تا سفره نیازمندان و محرومان شهر خالی نماند. مسجد قائم (عج) این روزها قلب تپنده این حرکت مهربانانه در محله است. جایی که خیران و نمازگزاران کنار هم جمع شده اند تا نشان دهند کمک به دیگران، بهترین راه خودسازی و رشد معنوی است و با تهیه ۱۵ بسته معیشتی و توزیع آن، مانع از خالی ماندن سفره ها در این ماه شدند.

● ماه رمضان، فرصت خودسازی و انفاق

از یک هفته مانده به شروع ماه مبارک رمضان، خیران و داوطلبان مسجد، بسته ها را آماده می کنند. کودکان کنار بزرگ ترها دست به کار شده اند و هر کدام یک محصول را داخل بسته های می گذارند. حدود ۱۵ بسته معیشتی شامل رب، ماکارونی، روغن، سویا و تن ماهی تهیه و برای توزیع میان نیازمندان آماده شده است. بسته ها را در دفتر صندوق قرض الحسنه مسجد چیده اند و پس از نام نویسی، آن ها را به دست خانواده های نیازمند می دهند.

محسن ماهفر، یکی از خیران قدیمی محله، می گوید: رمضان ماه خودسازی و انفاق است و کمک به محرومان، علاوه بر شادی دل دیگران، روحیه ایثار و همدلی ما را هم تقویت می کند. در این ماه اگر خود را موظف به همراهی، احسان، نیکی و رعایت



نوجوان رزمی کار محله شهید مطهری از خاطره اولین رقابتش می گوید

ثمره غلبه بر ترس

موضوع که خیلی از مدال آوران ورزش های رزمی از حاشیه شهرند، این ادعا را ثابت می کند.

● هدف از انتخاب ورزش کاراته چیست؟

به جز کسب سلامتی و دور شدن از ناهنجاری های اجتماعی، هدفم ایستادن بر سکوی مسابقات بین المللی و جهانی و افتخار آفرینی برای کشورم است.

● از تمرین و ورزش کاراته خاطره ای داری؟

اولین سالی که برای مسابقات استانی رفتم، با دیدن آن همه ورزشکار کمی ترسیده بودم. اما بعد از پیروزی بر اولین حریفم، روحیه خوبی پیدا کردم و ترسم ریخت. در همان مسابقات با حریف های بزرگ تر و با سابقه تر از خودم روبه رو شدم و توانستم بر آن ها هم پیروز شوم.

● اوقات فراغت را به چه کاری مشغول می شوی؟

پا توکم پایگاه بسیج مسجد جواد الائمه (ع) است. در اجرای مراسم، اردو های جهادی و جشن ها همراه با دیگر بچه های محله همکاری می کنیم.

● دوست داری در آینده چه شغلی داشته باشی؟

مربیگری و باشگاه داری را خیلی دوست دارم و از همین حالا به دنبال این هستم که مدرک مربیگری بگیرم. به پلیس شدن هم علاقه مندم. کمک به حفظ امنیت و آسایش شهر و محله و احساس مفید بودن را دوست دارم.

باشگاه کشتی می روم. چون ورزش ملی کشور ماست، دلم می خواهد در این ورزش برای کشورم افتخار بیافرینم.

● به نظرت تجهیزات ورزشی برای پیشرفت مهم است یا تلاش خود ورزشکار؟

امکانات و تجهیزات بهتر و بیشتر قطعاً تأثیر دارد و افراد را به ورزش جذب می کند. اما به نظرم حرف اول را تلاش و فداکاری خود آدم می زند. این



حسین برادران فرا پدرش مربی کاراته بود؛ به همین دلیل او از کودکی با فضای ورزش های رزمی آشناست. محمد جواد سخدری، کاراته را از پنج سال قبل، شروع کرده و تا کنون که چهارده ساله است، ادامه داده است. این نوجوان ساکن محله شهید مطهری در کنار ورزش، ارتباط تنگاتنگی با پایگاه بسیج مسجد جواد الائمه (ع) دارد و به عنوان یک نوجوان ورزشکار و بسیجی فعال مورد تشویق قرار گرفته است.

● از موفقیت های ت در ورزش کاراته برایمان بگو.

همان سال اول در مسابقات کاراته یک مقام سومی و بعد از آن، دو مقام دومی و یک مقام اولی در استان به دست آوردم و بعد از آن تقریباً هر سال یک مقام و مدال آورده ام.

● دوستان ت را به ورزش تشویق می کنی؟

چون کاراته ورزشی سرگرم کننده و جذاب است، بعد از اینکه چند نفر را برای دوستانم اجرا کردم، به این ورزش علاقه مند شدند و در باشگاه ثبت نام کردند. امسال هم با یکی دو نفر از دوستانم در مسابقات استان شرکت کردیم.

● به جز کاراته به ورزش دیگری هم علاقه داری؟
کشتی را خیلی دوست دارم و چند ماهی هست که به

امید محله



زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت... عبادی، شهید فرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهید مطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان (ع)، سعدآباد، شهید کلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



خیابان موسوی قوچانی ۳۵ خیابانی وسیع و عریض است و دلیل این وسعت، یکی شدن خیابان موسوی قوچانی ۳۳ و ۳۵ قدیم بایکدیگر است. در چند سال اخیر، چندین و چند ساختمان امروزی و چند طبقه در آن ساخته شده است.



در ورودی خیابان موسوی قوچانی، بوستان کوچک اریکده به مترهاژ پانصد متر مربع قرار دارد که حدفاصل خیابان موسوی قوچانی ۳۳ و ۳۵ است. این بوستان به جز چند نیمکت، امکانات رفاهی و تفریحی دیگری ندارد. به همین دلیل، شهروندان از آن چندان استقبال نمی‌کنند.

کوچه هنرستانی‌ها

حسین برادران فرا سابقه سکونت در خیابان موسوی قوچانی ۳۵ (شهید رجبعلی حشمتی) به اوایل دهه ۶۰ بازمی‌گردد. به گفته قدیمی‌های این محدوده جزو زمین‌های آستان قدس رضوی و در اختیار خانواده قائم مقامی‌ها بوده است که از رجال قدیمی و بانفوذ آستان قدس رضوی بوده‌اند. این زمین‌ها به «زمین‌های ۱۸۰ هکتاری» معروف است که در دهه ۵۰، کشاورزی و پوشیده از باغات انگور بود. بعد از پیروزی انقلاب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، این زمین‌ها را در قطعات ۱۶۰ متری باقیمت کم، در اختیار خانواده‌های مستضعف قرار داد. روند مسکونی شدن این خیابان در دهه ۸۰ سرعت پیدا کرد که تا امروز ادامه دارد.

موسوی قوچانی ۳۵ محله ابوطالب



دبیرستان پسرانه شاهد شهید آوینی سال ۱۳۸۲ تأسیس شده است. دانش‌آموزان این دبیرستان، فرزندان و وابستگان به خانواده شهید هستند. این دانش‌آموزان از محلات مختلف به این مدرسه می‌آیند.



هنرستان پسرانه امام حسن عسکری (ع) سال ۱۳۷۴ تأسیس شد و رشته‌های مختلف صنعتی مانند تأسیسات گرمایشی، برق صنعتی، جوشکاری، تعمیر موتور خودرو، ریخته‌گری در آن به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. به دلیل قدمت سی‌ساله این مجموعه آموزشی، این خیابان در گذشته به «کوچه هنرستان» معروف بود.

علی محمد اورنگ، یکی از ساکنان قدیمی این خیابان، با یادآوری سختی‌های ساخت خانه در این معبر می‌گوید: چون آب لوله‌کشی نبود، از تانکر آب برای پی‌ریزی و ساخت و ساز استفاده می‌شد. به همین دلیل، مردم صبح زود کنار خیابان می‌ایستادند تا تانکر آب را سرزمین خود ببرند.

